

جدای از مطبوعات، روابط انسان‌ها با یکدیگر هم تغییر کرده و مهربان شده بود. همه به هم لبخند می‌زدند و کسی مخالفت نمی‌کرد. انگار از بند رها شده بودند. درواقع آن‌دوران، بهار آزادی بود.

آن روزها حال‌وهوای خیابان‌ها دیدنی بود و بسیار پیاده‌روی می‌کردم. البته یکبار از خیابان آب‌سردار که به میدان ژاله سابق منتهی می‌شد، رد می‌شدم؛ صف طولانی‌ای دیدم. همه تقریباً متحدالشکل از نظر قیافه، لباس و آرایش لباس پشت‌سر هم قرار داشتند. سریع لباس و آرایش‌ها را می‌پوشیدند. آن‌ها قرار بود که به دیدن آیت‌الله خمینی بروند، اما به آنها اجازه ندادند و برای اعتراض همچنان بیرون مانده بودند. آن اولین نیشگونی بود که من را گرفت. به‌همین دلیل طرحی کشیدم که در آن، سیب چهار قاچ شده‌ای به‌نام «اتحاد» در حال تقسیم‌شدن است. هر قاچ آن سیب یک اسمی داشت؛ یکی مجاهدین، یکی ملی‌گرا و دیگری چپ بود. از آن اتفاق بسیار متعجب شدم. به این دلیل که همه نگاه‌ها و بینش‌ها را در یک صف مشترک می‌دیدیم، اما در این عمل این شکلی نشد. از سال ۱۳۵۸ به‌بعد، به‌مرور گروه‌هایی که با قدرت زاویه داشتند، حذف شدند.

**۴در این مقطع واکنش‌هایی نسبت به این اتفاق در قالب کاریکاتور داشتید؟**

نه. سمت این موارد نمی‌رفتیم، اما مجله «آهنگر» در لفافه یکسری اقدامات انجام می‌داد.

**۴یک کارتونست باید به اتفاقات روز واکنش نشان دهد؛ چرا در آن‌زمان واکنشی نشان ندادید؟**

آقای خطیبی به‌عنوان مسئول نشریه «حاجی بابا» بسیار محتاط بود. ازطرف‌دیگر، به‌صورت جدی فکر نمی‌کردیم که بعد از آن اتفاق از آزادی جریان‌های مختلف فاصله گرفته و منجر به حذف برخی گروه‌ها شود.

**۴واکنش مردم نسبت به آن اتفاق‌ها چه بود؛ آیا جامعه در آن‌دوران بر آتش رادیکالیسم می‌دمید؟**
یک قشری آن‌گونه فکر می‌کردند، درصورتی‌که عموم مردم هم مثل ما تعجب می‌کردند.

**۴به فاصله کوتاهی از ریاست‌جمهوری بنی‌صدر جنگ شروع می‌شود. در این‌زمان مطبوعاتی که در آن‌ها کاریکاتور منتشر می‌شد، چه رسانه‌هایی بودند و چه رویکردی نسبت به طنز و نقد داشتند؟**

در سال‌های ۵۸ تا ۵۹ خیلی از نشریات توقیف شدند. مجله «آهنگر» تعطیل شد و تیم «حاجی بابا» هم تصمیم گرفت که مجله دیگر چاپ نشود. علاوه بر این، برخی افراد فرصت‌طلب بودند که در آن بچیوه به‌کاخ‌ها می‌رفتند و آلبوم‌های خصوصی و دفتر خاطرات شاه و فرح را برمی‌داشتند. یکی از آن‌ها، کتاب و مجله هم از خاطرات و عکس‌های شخصی شاه و فرح منتشر کرد که فروش زیادی هم داشت.

از این‌زمان به‌بعد، نشریات دیگری ازجمله «فکاهبون» منتشر شدند. مجلات در آن موقع تک‌شماره منتشر می‌شدند. یکی از همکاران ما - آقای صادقی - در مجله «توفیق» با علاءالدین بروجردی در وزارت ارشاد دوست بود و هر شماره را به‌صورت صفحه‌بندی‌شده نشان می‌داد تا اجازه چاپ بگیرد.

**۴در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی شاهد محدودیت در تعدد مجلات و روزنامه‌های بعد از انقلاب بودیم. در آن‌دوران، یک فضا و قانون نانوشته‌ای ایجاد شده بود که هر انتقاد را به‌منزله عنصر از‌بین‌برنده اتحاد در کشور می‌دید. در این مقطع «فکاهبون» منتشر و صدام‌کشی در مطبوعات شروع می‌شود. تا سال ۱۳۶۹ که «گل‌آقا» و طنز و کاریکاتور منتشر می‌شوند، یک دوره گذار و خاموشی نسبی مجله‌های کاریکاتور و طنز را شاهدیم. تجربه شما از آن‌زمان چه بود؟**

در این دوران روزنامه‌ها و مجلات مختلفی باز می‌شدند و به فاصله کوتاهی از انتشار، بسته می‌شدند! یکی از آن‌ها روزنامه‌ای خبری بود به‌نام «بامداد». من در آن روزنامه یک ستون به‌نام «وقایع اتفاقیه» ایجاد کردم و در آن به مسائل اجتماعی، سیاسی و خارجی می‌پرداختم. فعالیتیم به آن شکل نبود که چهره کابینه دولت یا وزرا را بکشم.

**۴در اوایل انقلاب کاریکاتور روحانیونی ازجمله محمد منتظری، صادق خلخالی، محمد بهشتی و هاشمی رفسنجانی در مجلات منتشر می‌شد. در سال ۱۳۶۹ مواجهه شما با پیشنهاد کشیدن چهره مسئولان از طرف کیومرث صابری (گل‌آقا) چگونه بود؟**

با شک و شبهه نسبت به این موضوع واکنش نشان می‌داد. آقای صابری ارتباطات نزدیکی با برخی مسئولان در آن‌زمان داشت که این‌ موضوع بر انتشار کاریکاتور چهره‌های سیاسی تأثیرگذار بود. بااین‌حال کاریزما و ارتباط‌های او، دست من و دیگران را به‌عنوان کارتونست برای کشیدن کاریکاتور باز می‌گذاشت. اولین باری که آقای فرجیان به من زنگ زد و اعلام کرد که صابری می‌خواهد «گل‌آقا» را به‌صورت مجله منتشر کند و تمایل به همکاری دارم یا نه؟ شرطم برای پذیرش پیشنهاد این بود که امکان چاپ سوزه‌های تند در مجله باشد. همین اتفاق هم افتاد و سوزه‌ها چاپ شد. آقای



**یک روز آقای رفسنجانی به کانون پرورش فکری آمد و من مأمور توزیع و معرفی انیمشین به او بودم. پس از بازدید قالب بازیگران انیمشین به او نزدیک من شد و در گوشم امکان کشیدن کاریکاتور «گل‌آقا» هم که مهم‌ترین مجله طنز و کاریکاتور ۵سال اخیر است، قلم زدید. اگر بخواهید «توفیق» و «گل‌آقا» را مقایسه کنید، از نظر شما نقطه‌های اشتراک و تمایز این دو در چه مواردی است؟**

صابری از سال ۱۳۶۳ در روزنامه «اطلاعات» ستون «دو کلمه حرف حساب» را منتشر می‌کرد؛ شخصیت شاغلام و گل‌آقا از آنجا شکل گرفت و شهره شد. در آن‌دوران، نشریه‌ای نبود که همه یک‌جا در دفتر آن جمع شویم. به‌همین‌دلیل هرازگاهی همکاران توفیق در خانه یکی از اعضاء جمع می‌شدیم و در جریان تغییرات و تحولات مطبوعات قرار می‌گرفتیم.

جلسات انتشار اولین شماره «گل‌آقا» را از سه‌ماه قبل در تابستان سال ۱۳۶۹ شروع کردیم. منوچهر احترامی، عمران صلاحی، محمد خرمشاهی و محمدفریع ضیایی در آن جمله افرادی بودند که در تیم مجله «گل‌آقا» حضور داشتند.

**۴شما در زمان حکومت پهلوی و دوران انقلاب، فعالیت مطبوعاتی داشتید. در مجله «گل‌آقا» هم که مهم‌ترین مجله طنز و کاریکاتور ۵سال اخیر است، قلم زدید. اگر بخواهید «توفیق» و «گل‌آقا» را مقایسه کنید، از نظر شما نقطه‌های اشتراک و تمایز این دو در چه مواردی است؟**

نقطه اشتراک در طرز فکر مستتر جلسات این دو نشریه بود. در «توفیق»، همه افراد تیم از متخصصان مطبوعات گرفته تا روشنفکرها با دربار و ششاه زاویه داشتند. علت این‌ موضوع پیچیده و مفصل است، اما خود‌خواهی و خودشیفتگی شاه در تصمیم‌گیری‌ها بسیار در نگاه منفی فعالان رسانه نسبت به او نقش پررنگی دارد. حتی در بیان خاطرات شاه به ویژگی‌های اخلاقی او اشاره شده است. براساس یکی از خاطرات، شاه برای شرکت در یک جلسه اقتصادی بسیار مهم و بین‌المللی بدون حضور مشاورین و وزرای اقتصادی شرکت کرد که بیانگر خصلت خود‌خواهی و خودرأیی اوست. همچنین زمانی‌که بعد از رفتن شاه پای صحبت‌های دکتر امینی و نپاوندی می‌نشستیم، به انتقادناپذیری شاه اشاره می‌کنند. البته براساس گفته‌ها و خاطرات افراد نزدیک به شاه؛ این خصلت در او از زمان ۱۳۳۲ و بعد تشکیل ساواک، بیشتر از قیل دیده شده است.

نگاه و رویکرد مشابه تیم «توفیق» و «گل‌آقا» به‌طنزنویسی و کاریکاتور از دیگر اشتراک‌های این دو مجله بود. البته اثرهای «توفیق» نسبت به «گل‌آقا»، فکاهی‌تر بود؛ زیرا در آن مجله امکان پرداختن به سوزه‌های جنسی ازجمله روابط پدر خانواده با خدمتکار خانه هم وجود داشت. البته پرداختن به دربار و سران ارشد نیروهای سه‌گانه کشور خطرقرمز بودند. بااین‌حال امکان طراحی کاریکاتور از درجات پایین‌تر همچون سرباز و پاسبان وجود داشت. در مجله «گل‌آقا» هم پرداختن به روحانی و لباس‌روحانیت خط قرمز بود. این‌ ممنوعیت، یک قانون نانوشته بود.

یک روز آقای رفسنجانی به کانون پرورش فکری آمد و من مأمور توزیع و معرفی انیمشین به او بودم. پس از بازدید او و ارائه توضیحاتم، یکی از محافظان‌اش نزدیک من شد و در گوشم امکان کشیدن کاریکاتور آقای رفسنجانی توسط مرا جويا شد. من هم در پاسخ گفتم که اگر لباس روحانیت بر تن نداشته باشند، می‌توانم کاریکاتور را بکشم.

**۴کیومرث صابری، یک دوستی و ارتباط نزدیکی با مسئولان و مقامات داشت؛ برادران توفیق هم ازاین‌قبیل روابط داشتند؟**

نه هیچ ارتباطی نداشتند. اگر هم ارتباطی با مقامات داشتند، ما در جریان نبودیم. یکی از اتفاقات جالب برای کاریکاتوریست‌ها در آن‌زمان به‌خصوص من این بود که اکثر تیم مجله «توفیق» با دولت مخالف بودند و کاریکاتور آن‌ها را به هر شکلی که می‌خواستیم، طراحی می‌کردیم. اما در زمان آقای صابری به ما سفارش و تاکید می‌شد که کاریکاتور افراد نزدیک به دولت و مقامات، زشت کشیده نشوند.

**۴از نظر شما کیومرث صابری از ارتباط خود با مسئولان، برای دمیدن روح طنز و کاریکاتور در دوران فترت مطبوعات، استفاده می‌کرد؟**

بله. او این ویژگی را داشت. البته، اعتقاد و باور محکمی نسبت به ارزش‌های انقلاب داشت و تعامل او با مقامات این‌گونه نبود که برای تداوم انتشار مجله به‌دنبال ارتباط بیشتر با چهره‌ها و مقامات سیاسی باشد.

**۴باتوجه به شناختی که در سال‌های همکاری با کیومرث صابری از او داشتید؛ اگر در شرایط فعلی زنده بود، تصور شما نسبت به باورها و عقاید او چه بود؟**

نمی‌دانم. سال‌های ابتدایی انقلاب، دو جناح و جریان غالب در کشور وجود داشت. این روزها با تعدد جریان‌های فکری مواجه هستیم. کیومرث در دوران فعالیت‌اش گرایش زیادی به اصلاح‌طلب‌ها داشت. در زمان دوم خرداد تعداد زیادی نشریات و روزنامه‌های تندرو منتشر شد که صابری، مخالف این جریان و موافق اصول انقلاب ۵۷ بود. یکی از خاطراتم با او این است که یک کاریکاتور تندری را به همراه یکی از دوستان کشیده بودم؛ صابری برای اینکه انتشار آن طرح حواشی ایجاد نکند، پیش از انتشار نزد یکی از مسئولان رفت تا تأیید بگیرد.

**۴در سال‌های اخیر این حس را داشتید که اگر کیومرث صابری زنده بود، جریان‌سازی‌هایی در طنز و کاریکاتورهای مطبوعات شکل می‌گرفت؟**

بله. احتمال آن وجود داشت. با سبک نگارش، نگاه و نفوذی که داشت، احتمال جریان‌سازی توسط او وجود داشت.

<b>اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهری هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b>	<b>م الف ۱۳۳۱</b>
<b>آژهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۱ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b>	
برابررای شماره ۳۳۹/۴۳۳۵۳۴۳۳۳۳۳۳ مورخ ۱۳۴۳/۸/۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اعظم ترابی کجوستگ به شناسنامه شماره ۱۸۳۰ کدملی ۴۹۱۳۶۴۲۱۷ صادره از دفتر فرزند حاجی در ۱۸/۴ سهم مشاع از ۱۰ه سهم شادنگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۵۳۳/۴۶ مترمربع پلاک شماره ۱۵۸۹ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری به موجب (قولنامه عادی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطالع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آژهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آژهی به مدت دو ماه اعراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عم و وصول اعراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۴۳/۸/۴ تا ۱۳۴۳/۸/۱۹ انتشار نوبت دوم: ۱۳۴۳/۸/۱۹	

<b>فراخوان مناقصه عمومی(ارزیابی کیفی)</b>	<b>نوبت دوم</b>
<b>توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی <b>www.setadiran.ir</b> می باشد. مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م/۵/۳۱۰۴/۰۴ مربوط به احداث جاده و محل جاه‌های غرب ۴۱۲ جنوب (ب) و غرب ۱۱/۴۱۲ جنوب (ب) اهواز (بسماند) الف- شرح مختصر خدمات :انجام عملیات تخریب، عملیات خاکی، عملیات بنایی باسنگ ،اندود وپنل‌کشی، قالب‌بندی وچوب‌بست، کارهای فولادی، بتن‌ریزی، زیراساس ،اساس وبالاست،نصب علائم و تجهیزاتی‌ایمنی،احداث محوطه چاه ،احداث سوراخ‌حداث گودال آبگلی ،احداث گودال سوخت، ژئوممبراین، احداث آبرو وپل بتنی در طول مسیرو جاده دسترسی مد نظرمی باشد. ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل اجرای خدمات در ۱۴ کیلومتری اهواز ومدت انجام آن ۱۴ ماه می باشد. ج- برآورد کارفرما: برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۰۹۷/،۵۱۹،۰۱۶،۱۲۹۵،۱۰۱ ریال و تعدیل پذیری می باشد د-شرایط مناقصه گران متقاضی: داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی وریالی) در رشته مربوطه مناقصه گران دارای حداقل پایه ۴ گرایش راه و ترابری و دارای گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار ورفاه اجتماعی- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابرالویت با شرکت‌های بومی استانی می باشد. - دارا بودن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره تعاون، کار ورفاه اجتماعی در هنگام عقد قرارداد از سوی مناقصه گر برنده الزامی می باشد- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ- /۳۳۱،۰۳۳،۰۱۴،۳۴۳ ریال همچنین توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) به عنوان تضمین انجام تعهدات- ارائه یک نسخه تایید شده از صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی الزامیست. (مبنای پذیرش در خصوص گزارش حسابرسی صورت‌های مالی، بازگذاری گزارش کارشناس مذکور از طریق سایت جامع حسابداران رسمی ایران (قابل استعلام در وبگاه www.iacpa.ir) با قابلیت مشاهده در سامانه پردیس می باشد) مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بازگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز،کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع درروبروی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه وتضمین رانسلیم نمایند.</b>	
<b>توجه: ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک‌های پاسارگاد و سپه قابل پذیرش نمی باشد. ه- محل و مهلت دریافت اسناد</b>	
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی <b>www.setadiran.ir</b> مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرائی بند ج ماده ۴ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی کیفی) بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران به عمل آید.	
<b>▲ مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۰۸:۰۰ تا تاریخ ۰۴/۰۵/۱۴۰۴ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۳/۰۵/۱۴۰۴</b>	
<b>▲ ضمانتی بایستی حداکثر ظرف مدت ۴ روز مدارک ارزیابی کیفی خود را مطابق با اطلاعات درخواست شده در استعلام ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد بازگذاری نمایند. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ میدارد به مدارکی که شرایط مندرج در متن آژهی و استعلام ارزیابی کیفی را لحاظ ننموده اند ترتیب اثر ندهد.</b>	
<b>▲ محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها</b>	
متقاضیان واجد شرایط در مرحله ارزیابی کیفی مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۰۴/۰۵/۱۴۰۴ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۶/۰۵/۱۴۰۴ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است .همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بازگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۰۶/۰۵/۱۴۰۴ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: «اهواز-کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند. هم‌زمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.	
<b>تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساتمامه شرکت‌ها، آژهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر وجود شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آژهی الزامی می باشد.</b>	

شناسه آژهی: ۲۰۳۱۳۴۲۰ <http://iets.mporg.ir> [www.NISOC.IR](http://www.NISOC.IR)

امور حقوقی و قرارداده‌ا - مناطق نفتخیز

## وقتی سکوت زنان بلندتر از فریاد است

**زهرة فراهانی / خبرنگار:** «یک بازیگر مشهور به جرم تجاوز بازداشت شد»، خبری که روز سه‌شنبه به تیرت یک فضای مجازی و خبرگزاری‌های رسمی تبدیل شده بود، اما این فقط یک اتفاق فردی نبود، بلکه تصویر زنده‌ای از یک زخم قدیمی و دیرپاست؛ این زخم قدیمی سال‌ها در سکوت و انکار، در پشت پرده‌های سینما و در تاریکی قدرت پنهان شده بود. اما آنچه هم‌پای این اتفاق تأسّف‌انگیز و تلخ بود، واکنش‌هایی بود که با آن همراه بود. جمله‌هایی مانند «اگر آقای بازیگر لب‌تر کند، کلی گزینه دارد!» که متأسّفانه حتی این جمله از زبان برخی زنان هم شنیده و خوانده شد، این نشان می‌دهد هنوز هم نگاه‌های زن‌ستیزانه و بی‌انصافانه در جامعه ما ریشه دوانده است. انکار قربانی باید خودش انتخاب شود و مسئول آنچه بر سرش آمده، باشد! این تفکر نه‌تنها ظلمی مضاعف به زنان است، بلکه صدای بسیاری از قربانیان را خاموش می‌کند و راه عدالت را سد می‌نماید. اما حقیقت این است که خشونت جنسی و تجاوز، پدیده‌ای گسترده و پیچیده است که هیچ‌کس در برابر آن مصون نیست؛ نه در سینما، نه در سیاست و نه در زندگی روزمره مردم. آمارهای نگران‌کننده سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که تقریباً یک‌سوم زنان جهان حداقل یک‌بار خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند، و ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. مطالعات غیررسمی نشان می‌دهد، بیش از ۶۰ درصد زنان ایرانی حداقل یک‌بار در معرض آزار جنسی قرار گرفته‌اند، اما بسیاری از این موارد هرگز گزارش نمی‌شوند. چرا؟ چون ترس از قضاوت، فشار خانواده، تهدیدهای متجاوزان و نفوذ سیاسی و اقتصادی آن‌ها، سکوت را به گزینه اول قربانیان تبدیل کرده است. در سال‌های اخیر، شجاعت و صدای بلند برخی خبرنگاران، بازیگران و فعالان اجتماعی به شکست این سکوت کمک کرده است. وقتی سؤال اساسی اینجاست: پس از همه این فریادها، آیا نهادهای فرهنگی، قضایی و اجتماعی به وظایف‌شان عمل کردند؟ آیا حمایت واقعی از قربانیان صورت گرفت؟ متأسّفانه پاسخ اغلب منفی است و بسیاری از این پرونده‌ها یا به فراموشی سپرده شده‌اند یا به‌دلیل فشارهای سیاسی و اقتصادی، مخومه شده‌اند. مسئله تنها در دنیای هنر خلاصه نمی‌شود؛ در عرصه سیاست، زانی که می‌خواهند حقیقت را فریاد بزنند، بارها و بارها به خاطر ترس از قدرت و نفوذ متجاوزان، مجبور به سکوت شده‌اند. تنها یک کلیشه در برابر این ظلم وجود داشته است: «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند.» اما شاید برخی از همین افراد متجاوز، امروز در جایگاه‌های مهم نشسته باشند. این واقعیت تلخ، باعث شده بسیاری از قربانیان به‌جای اینکه دیده و شنیده شوند، در ترس و انزوا باقی بمانند. چرا قربانیان سکوت می‌کنند؟ یکی از دلایل مهم آن، ترس از ازدست‌دادن فرصت‌های شغلی و اجتماعی است. آنها در مقابل انتخابی سخت قرار می‌گیرند؛ سکوت یا ازدست‌دادن آینده، بسیاری باور دارند که حر فرزند نه‌تنها کمکی نمی‌کند، بلکه باعث فشار بیشتر می‌شود. حتی ممکن است کسانی باشند که برای رسیدن به موفقیت، به‌طور تلویحی یا مستقیم، از این چرخه ظلم عبور کرده‌اند. اما آیا پیشرفتی که با پا گذاشتن روی حق و کرامت دیگران به‌دست آمده، ارزش دارد؟ این‌ها سؤال‌هایی است که باید جامعه ما به آن‌ها پاسخ دهد. سؤال‌هایی که فراتر از یک پرونده خاص، نشان‌دهنده نیاز فوری به تغییرات بنیادین است. در این میان لایحه حمایت از زنان که سال‌هاست در مجلس به انتظار تصویب نشسته، می‌توانست کلیدگشای این بحران باشد. اما متأسّفانه این‌لایحه همچنان پلاکتلیف مانده و تصویب آن به‌توقیح افتاده است. بدون قوانین حمایتی قوی، نظام قضایی و اجتماعی ما نمی‌تواند از قربانیان به‌درستی حفاظت کند و مجازات عادلانه‌ای برای متجاوزان در نظر بگیرد. برای خروج از این بحران، نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه هستیم. اول از همه باید قوانین حمایتی را سریع‌تر و قاطع‌تر تصویب کنیم و نهادهای قضایی را به آموزش و تخصص در زمینه خشونت‌های جنسی مجهز کنیم. رسانه‌ها نقش کلیدی در این مسیر دارند؛ آنها باید صدای قربانیان را منعکس کنند، تابوهای گفت‌وگو درباره خشونت را بشکنند و با آگاه‌سازی عمومی، زمینه تغییر نگرش‌های فرهنگی را فراهم کنند. همچنین آموزش‌های همگانی در مدارس، دانشگاه‌ها و محیط‌های کاری، ضروری است تا نسلی آگاه و مسئولیت‌پذیر پرورش یابد که خشونت را نپذیرد و به حقوق انسانی همه احترام بگذارد. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند شجاعت، همبستگی و عمل جمعی هستیم. باید باور کنیم که سکوت دیگر راهکار نیست و هر صدای شکسته، توان تغییر دارد. این وظیفه‌ی همه‌ی ماست که در برابر ظلم و بی‌عدالتی بایستیم، از آسیب‌دیدگان حمایت کنیم و با تلاش مستمر، آینده‌ای بسازیم که در آن هیچ زنی ترسد، هیچ صدایی خاموش نشود و عدالت در هر گوشه‌ای برقرار باشد.